

روی خط اینترنت

هنگامی که گوشی شما خیس می شود!

خبرنگار واشنگتن پست، پس از یک دوچرخه سواری طولانی به خانه برمیگردد و شروع میکند به شستن دست و رویش، اما از آنجایی که کیف وسایل همراهش را بدجایی قرارداده بود، ناگهان در چند لحظه کیف برمیگردد و گوشی BlachBerry نازنین ۴۵۰ دلاریش در درون توالت می افتد! پس از اینکه از شوک حادثه خارج میشود، سریع گوشی را از آب خارج میکند، باری گوشی را در می آورد و شروع به خشک کردن گوشی با سشوار میکند! اما پس از اندکی هنگامی که میبیند این روش موثر نیست و گوشی نیز وارد حالت کما شده است، به یکی از دوستانش که در این زمینه تخصص داشته تماس میگیرد و از او کمک میخواهد. دوست عزیز هم در پاسخ او میگوید که گوشی را در یک ظرف پر از برنج نخته بگذارد! بله! برنج نخته! همگی ما دیده ایم که برنج خاصیت جذب رطوبت دارد و با اصول خیس کردن برنج هم آشنا هستیم (ترفندستان) ولی این نکته دیگر واقعاً ظریف است! سر انجام پس از اینکه گوشی یک روز در داخل ظرف برنج می ماند، کاملاً سالم و مانند روز اولش میشود و بدون هیچ مشکلی قابل استفاده میگردد! این جناب خبرنگار هم تجربه گرانقیمتی را در واشنگتن پست برای عموم نوشته است، البته آن دوستی که این روش را برای او توضیح داده است نامش فاش نشده چرا که ظاهراً وی برای یکی از شرکتهای گارانتی یا مشابه آن کار میکند و فاش شدن نامش برای او دردسر ساز خواهد بود! اما در این زمینه میتوان عمل دیگری را نیز صورت داد: گوشی که یک حمام اجباری کرده است را بهتر است اول خاموش کرده سپس باطری آن را خارج نموده تا جایی که امکانش هست گوشی را با کاغذها و دستمالهایی که آب جمع می کنند خشک کرده و بعد در الکل برای مدت کوتاهی بخیساندش و بعد هم بگذارد خشک شود. الکل برای خشک کردن قطعات داخلی گوشی بسیار موثر خواهد بود.

منبع ویلاگ آموزش اینترنت و کامپیوتر : <http://instruction.mihanblog.com>

هجوم ایرانیان به شبکههای اجتماعی اینترنتی

سرویس بین‌المللی «تابناک» - بسیاری از کاربران ایرانی اینترنت برای آگاه شدن از اوضاع اخیر ایران به شبکههای اجتماعی همچون «فلیکر»، «فیس بوک» و «یوتیوب» مراجعه می کنند تا با بهره‌گیری از این سایت‌ها - که اصالتاً سایت‌هایی اجتماعی و نه سیاسی هستند - بتوانند گزارش‌ها و فیلم‌هایی از ایران ببینند. به گزارش خبرنگار «تابناک»، رسانه‌های اروپایی و آمریکایی نیز پوشش خبری گسترده‌ای به این موضوع داده‌اند. برای مثال، سایت خبری «رویتزر» در این باره گزارش داده است: از آنجا که در ایران پوشش خبری رویدادها با مشکلاتی روبه‌روست، اکنون سایت‌هایی همچون «توتیتر»، «فیس بوک»، «یوتیوب» و «فلیکر» مرجع خبر برخی از کاربران ایرانی اینترنت شده است. بنا بر این گزارش، دولت آمریکا از مدیران سایت «توتیتر» درخواست کرده است که خدمات خود را در ایران بدون وقفه ادامه دهند. شبکه خبری «فاکس نیوز» هم که متعلق به دولت آمریکاست، با تأیید این خبر می‌نویسد: واکنش‌های گروه‌های گوناگون ایرانی به نتیجه انتخابات، یک جنگ الکترونیکی را در محیط اینترنت پدید آورده است. این شبکه همچنین گزارش داده است، یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا که نتوانست است نامش فاش شود، به «رویتزر» گفته است که از سایت «توتیتر» خواسته تا سیستم‌های خود را در ایران به هیچ وجه قطع نکند.

منبع سایت خبری تحلیلی تابناک : <http://www.tabnak.ir>

آدامس!

شاید گراف نباشد. اگر بگویم که شایع‌ترین جویدنی دنیا آدامس است؛ وقتی که هر سال حدود ۳۷۴ بیلیون قطعه آدامس در سراسر جهان به فروش می‌رسد. و جالب است که مشتریان اصلی آدامس را جوانان تشکیل می‌دهند و خانها هم بیشتر از آقایان آدامس می‌جویند. نوآنداهای زیادی در مورد آدامس و اختراع آن وجود دارد. مثلاً گفته می‌شود که در سال ۱۹۹۳ باستان‌شناسان جسد مردی با قدمت ۹ هزار سال را کشف کردند که شواهد مربوط به جسد نشان می‌داد او در حال جویدن مداوم نوعی ماده رزینی آغشته به عسل بوده که در اثر یک حادثه کشته شده است. مطالعات دقیق‌تر نشان داد که این فرد یک نوجوان بوده است. یونانیان باستان علاقه فراوانی به جویدن آدامس داشته‌اند و سرخپوستان مایا هم مواد رزینی خاصی را می‌جویند. فرمولاسیون مدرن آدامس از دهه ۱۸۶۰ آغاز شد. در آن سال‌ها صمغ اگزیل آمریکایی یا همان صمغ آدامس وارد ایالات متحده شد و تلاش‌هایی توسط یک دندانپزشک به نام دکتر تامس ادمز می‌خواست نوعی لاستیک جدید اختراع کند، اما حاصل کارش به آدامس تبدیل شد. آدامس تولید دکتر ادمز که در مغازه خودش فروخته می‌شد با اقبال مشتریان مواجه شد.

منبع سایت خبری قاصدک : <http://ghasedaknews.ir>

اندر فواید شلیل

برلیات بزرگمهر یک متخصص تغذیه گفت: شلیل به دلیل داشتن فیبر باعث کاهش چربی‌های بد خون می‌شود. شلیل منبع غنی ویتامین‌های A، C و سرشار از تانسیم است. یک متخصص تغذیه گفت: شلیل بسیار کم‌کالری و کاهش‌دهنده چربی خون است و در پیشگیری از بروز بسیاری از بیماری‌های مزمن نظیر سرطان، دیابت و بیماری قلبی عروقی که از مهم‌ترین علل مرگ و میر هستند، موثر است. بزرگمهر اضافه کرد: بهتر است از شلیل به جای چپیس و پفک در میان‌وعده‌ها مصرف شود. شلیل می‌تواند آب مورد نیاز بدن را تامین کند. منبع سایت نوآندیش : [www.noandish.com](http://www.noandish.com)

از خاطرات هاشمی

تمام روز در منزل بودم. مجلس به خاطر عدم تشکیل کمیسیونها، کاری نداد. شنبه‌ها [ای‌بررسی اعتبارنامه‌ها] هنوز کارشان تمام نشده است و وضع منزل نمایندگان جدید هم، خوب نیست. منزل برای اسکان ندارند. پیش از ظهر، تلفنی با آیت‌الله خامنه‌ای [رئیس جمهور] صحبت کردم. درباره پذیرفتن ناظران سازمان ملل در ایران و موضوعان در آتش‌سختی خلیج فارس و هواپیمای ربوده شده (۱۳۷) و تمویض [سرتیب ظهیرنژاد] رئیس ستاد مشترک ارتش مذاکره شد. با وزیر کشور هم درباره وقت برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای، و مواردی که شورای نگهبان باطل کرده، قرار شد ۱۹ ذی‌القعده هجری قمری باشد. عصر، [آقای طباطبائی] سرپرست بنیاد مستضعفان، آمد و گزارشی از وضع بنیاد داد. می‌گفت بیست هزار واحد دارد که صلاح در آن است، به غیر از دوستان واحد بزرگ، بقیه را بفروشند و از اینکه ارگانهای دولتی، مرتب دارند از اموال بنیاد می‌گیرند، ناراحت بود؛ از لحاظ شرعی، سنوآلد داشت که [آیا پول دریافتی از بابت فروش واحدها] باید به مصرف محرومان برسد، یا نه؟ و نظر امام را در این‌باره می‌خواست. بیشتر، درباره واگذاری واحدهایی به کمیته امداد - که اخیراً در نماز جمعه مطرح کردم - بحث شد. قرار شد شروع به واگذاری واحدها کنند. امام هم موافقت کرده‌اند و نظر سران قوای دیگر هم، این است. منبع سایت اطلاع رسانی هاشمی رفسنجانجانی : [www.hashemirafsanjani.ir](http://www.hashemirafsanjani.ir)

طلاق به خاطر فرزند دختر!

مرد جوان وقتی شنید همسرش دختر به دنیا آورده با عصبانیت به دادگاه خانواده رفت و تقاضای طلاق داد. به گزارش ایران مرد قصاب که فیروز نام دارد به قاضی عموزادی - رئیس شعبه ۲۶۸ دادگاه خانواده تهران - گفت: من تنها پسر خانواده پرجمعیت‌مان هستم. در حالی که در حسرت پسر بودیم، چشم و امید همه اقوام و فامیل نیز به تولد فرزند من بود تا نسل خانوادگی‌مان را حفظ کند. بنابراین پس از بررسی‌های فراوان از طریق مادم به خواستگاری ناهید رفتم که پس از ۵ برادرش به دنیا آمده بود. زیرا امیدوار بودیم که او هم مثل مادرش صاحب فرزندان پسر شود. سپس ناهید را با مهریه ۱۱۴ سکه طلا به عقد خود درآورده و زندگی مشترکمان را آغاز کردیم. وقتی همسرم باردار شد از او خواستم درباره جنسیت بچه، اطلاعات درستی به من بدهد. او نیز پس از سونوگرافی با خوشحالی گفت: پسری در راه داریم. با شنیدن این خبر همه فامیل و اعضای خانواده بشدت خوشحال شده و برای به دنیا آمدن فرزندمان، لحظه‌شماری می‌کردیم. در طول دوران بارداری همسرم، همه مایحتاجش را فراهم کردم تا پسرمان صحیح و سالم به دنیا بیاید. تا این‌که چند شب قبل او را برای زایمان به بیمارستان منتقل کردیم. اما وقتی در حضور خانواده‌ام خبر دادند که فرزندمان دختر است بشدت شوکه و عصبانی شدم. از آن جا که حاضر به زندگی با همسری دروغگو نیستم و نمی‌خواهم فرزندم را ببینم، آمدمم طلاقتش دهم. همه حق و حقوق قانونی‌اش را نیز می‌پردازم.

منبع سایت بازیاب : <http://www.bazyab.ir>

محل شنای بندرترکمن و قول های فراموش شده!

\* رحمان بردی میناگر

اینکه جایگاه و منزلت انسان در پیشگاه خداوند به چه اندازه است نیاز به گفتار و یادآوری نیست، اما آنچه که نمی توان بدون اشاره از آن گذشت خلیفه بودن انسان برای آن خالق یکتا در روی زمین است و این دریاها و کوهها و منابع موجود در کل جهان هدیه ایست از طرف خداوند بخشنده بر بندگان روی زمین و اینکه انسان تا چه حد از این منابع در راه سعادت و رفاه دنیوی و اخروی استفاده می کند بحثی است بی انتها و ناتمام.

هنگامی که از منطقه ای گرم و خشک یا بپروخت به یک منطقه سرسبز و جنگلی می رسم چه آب و هوای شفا بخش سراسر وجود ما را فرا می گیرد. یا در کنار چشمه و آبیاری قرار می گیری ناخود آگاه بهشت را بیاد می آوری.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم. باز هم می خواهم از هزاران شاخه رحمت دریا یک شاخه کوچک آنرا مورد بحث قرار دهم.

قبل از انقلاب شوکمند اسلامی ایران محل شنای بندرترکمن از صدا و سیما فاعلی تا روستای چافاقلی قدیم سرتاسر بهار و تابستان بصورت سنتی، منطقه شنا و استراحت و تفریح اهالی بندرترکمن و روستاها و شهرهای دور و نزدیک بود مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه کناره های دریا ملو بود از مردم و این عاشقان دریا با احتیاط و شادی زایدالوصفی زیر گرمای تابستان و تا نیمه های شب به آب می زدند. می پریدند، جیغ می زدند، خیلی ها مشغول توپ بازی در دریا بودند و خیلی ها سوار تیوپ های مختلف بودند و خیلی ها هم روی دوش یکدیگر سوار شده شجره می رفتند، چه غوغایی بود، آنچه بود لذت از رحمت الهی و شادی خلاصانه بود هر کس با هر وسیله ای که داشت می رفت با پای پیاده، دوچرخه، موتور سیکلت، اسب و گاری و ماشین.

زمان گذشت، جمعیت افزایش یافت و نیاز به مدیریت و نظارت و سازماندهی احساس گردید. مسئولان همت نمودند دست بکار شدند، آب و برق، جاده و نیازهای اولیه تقریباً طی یک دهه بصورت رضایت بخش فراهم گردید و افراد علاقمند به همت مسئولان شهرداری و شورای شهر و ... مدیریت آنرا بدست گرفتند. برای مردم کم

به مرور مدیریت ها عوض شد شیوه نظارتی تغییر نمود و شنیده شد که محل شنای بندرترکمن همچون استانبول یا دیگر شهرهای پرآوازه ایران و جهان بسیار زیبا و مدرن و نمونه ساخته خواهد شد. متعاقب آن بعد از مدت ها شروع به بتن ریزی سنگ چینی و اقدامات مقطعی و مبهم دیگر گردید. اما مردم از فعالیت تحرکات و رفت و آمد کامیون و دیدن یک لودر در حال کار خوشحال بودند به این امید که شهر و ساحل ما نیز شایسته نامش به محل شنا و تفرجگاه زیبا و جذاب و دل انگیز تبدیل شود.

زمان گذشت. بهار و تابستان فراوانی بدون حضور عاشقان و شیفتگان دریا سپری گردید. ( دریا تعطیل است) تابلویی بود که متأسفانه در نگاه اول به چشم می خورد. دریایی که ما و مردم ما همیشه در کنار و آغوشش بودیم و از گرمای سوزان تابستان و آنجا پناه می بردیم انگار اینک برای ما غریبه و نامحرم می نمود و اکنون تابستان سال ۸۸ فرا رسیده و کنار دریا و محل شنا اولین مکانی است که به آن پناه می بری. اما امروز محل شنای بندرترکمن

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

اگر نمی توانستند یا نمی شد کار اصولی و بهتری انجام دهند چرا آن روش سنتی و مدیریت های ساده قبلی که بسیار هم مورد رضایت مردم بود بهم ریختند و از آنها حمایت نکردند و راهنمایی نمودند در عوض شروع به سرمایه گذاری یا شروع به کاری نمودند که عاقبتش امروز تعطیلی ساحل زیبا و محل شنای بندرترکمن است.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم. باز هم می خواهم از هزاران شاخه رحمت دریا یک شاخه کوچک آنرا مورد بحث قرار دهم.

قبل از انقلاب شوکمند اسلامی ایران محل شنای بندرترکمن از صدا و سیما فاعلی تا روستای چافاقلی قدیم سرتاسر بهار و تابستان بصورت سنتی، منطقه شنا و استراحت و تفریح اهالی بندرترکمن و روستاها و شهرهای دور و نزدیک بود مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه کناره های دریا ملو بود از مردم و این عاشقان دریا با احتیاط و شادی زایدالوصفی زیر گرمای تابستان و تا نیمه های شب به آب می زدند. می پریدند، جیغ می زدند، خیلی ها مشغول توپ بازی در دریا بودند و خیلی ها سوار تیوپ های مختلف بودند و خیلی ها هم روی دوش یکدیگر سوار شده شجره می رفتند، چه غوغایی بود، آنچه بود لذت از رحمت الهی و شادی خلاصانه بود هر کس با هر وسیله ای که داشت می رفت با پای پیاده، دوچرخه، موتور سیکلت، اسب و گاری و ماشین.

زمان گذشت، جمعیت افزایش یافت و نیاز به مدیریت و نظارت و سازماندهی احساس گردید. مسئولان همت نمودند دست بکار شدند، آب و برق، جاده و نیازهای اولیه تقریباً طی یک دهه بصورت رضایت بخش فراهم گردید و افراد علاقمند به همت مسئولان شهرداری و شورای شهر و ... مدیریت آنرا بدست گرفتند. برای مردم کم

به مرور مدیریت ها عوض شد شیوه نظارتی تغییر نمود و شنیده شد که محل شنای بندرترکمن همچون استانبول یا دیگر شهرهای پرآوازه ایران و جهان بسیار زیبا و مدرن و نمونه ساخته خواهد شد. متعاقب آن بعد از مدت ها شروع به بتن ریزی سنگ چینی و اقدامات مقطعی و مبهم دیگر گردید. اما مردم از فعالیت تحرکات و رفت و آمد کامیون و دیدن یک لودر در حال کار خوشحال بودند به این امید که شهر و ساحل ما نیز شایسته نامش به محل شنا و تفرجگاه زیبا و جذاب و دل انگیز تبدیل شود.

زمان گذشت. بهار و تابستان فراوانی بدون حضور عاشقان و شیفتگان دریا سپری گردید. ( دریا تعطیل است) تابلویی بود که متأسفانه در نگاه اول به چشم می خورد. دریایی که ما و مردم ما همیشه در کنار و آغوشش بودیم و از گرمای سوزان تابستان و آنجا پناه می بردیم انگار اینک برای ما غریبه و نامحرم می نمود و اکنون تابستان سال ۸۸ فرا رسیده و کنار دریا و محل شنا اولین مکانی است که به آن پناه می بری. اما امروز محل شنای بندرترکمن

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

اگر نمی توانستند یا نمی شد کار اصولی و بهتری انجام دهند چرا آن روش سنتی و مدیریت های ساده قبلی که بسیار هم مورد رضایت مردم بود بهم ریختند و از آنها حمایت نکردند و راهنمایی نمودند در عوض شروع به سرمایه گذاری یا شروع به کاری نمودند که عاقبتش امروز تعطیلی ساحل زیبا و محل شنای بندرترکمن است.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم. باز هم می خواهم از هزاران شاخه رحمت دریا یک شاخه کوچک آنرا مورد بحث قرار دهم.

قبل از انقلاب شوکمند اسلامی ایران محل شنای بندرترکمن از صدا و سیما فاعلی تا روستای چافاقلی قدیم سرتاسر بهار و تابستان بصورت سنتی، منطقه شنا و استراحت و تفریح اهالی بندرترکمن و روستاها و شهرهای دور و نزدیک بود مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه کناره های دریا ملو بود از مردم و این عاشقان دریا با احتیاط و شادی زایدالوصفی زیر گرمای تابستان و تا نیمه های شب به آب می زدند. می پریدند، جیغ می زدند، خیلی ها مشغول توپ بازی در دریا بودند و خیلی ها سوار تیوپ های مختلف بودند و خیلی ها هم روی دوش یکدیگر سوار شده شجره می رفتند، چه غوغایی بود، آنچه بود لذت از رحمت الهی و شادی خلاصانه بود هر کس با هر وسیله ای که داشت می رفت با پای پیاده، دوچرخه، موتور سیکلت، اسب و گاری و ماشین.

زمان گذشت، جمعیت افزایش یافت و نیاز به مدیریت و نظارت و سازماندهی احساس گردید. مسئولان همت نمودند دست بکار شدند، آب و برق، جاده و نیازهای اولیه تقریباً طی یک دهه بصورت رضایت بخش فراهم گردید و افراد علاقمند به همت مسئولان شهرداری و شورای شهر و ... مدیریت آنرا بدست گرفتند. برای مردم کم

به مرور مدیریت ها عوض شد شیوه نظارتی تغییر نمود و شنیده شد که محل شنای بندرترکمن همچون استانبول یا دیگر شهرهای پرآوازه ایران و جهان بسیار زیبا و مدرن و نمونه ساخته خواهد شد. متعاقب آن بعد از مدت ها شروع به بتن ریزی سنگ چینی و اقدامات مقطعی و مبهم دیگر گردید. اما مردم از فعالیت تحرکات و رفت و آمد کامیون و دیدن یک لودر در حال کار خوشحال بودند به این امید که شهر و ساحل ما نیز شایسته نامش به محل شنا و تفرجگاه زیبا و جذاب و دل انگیز تبدیل شود.

زمان گذشت. بهار و تابستان فراوانی بدون حضور عاشقان و شیفتگان دریا سپری گردید. ( دریا تعطیل است) تابلویی بود که متأسفانه در نگاه اول به چشم می خورد. دریایی که ما و مردم ما همیشه در کنار و آغوشش بودیم و از گرمای سوزان تابستان و آنجا پناه می بردیم انگار اینک برای ما غریبه و نامحرم می نمود و اکنون تابستان سال ۸۸ فرا رسیده و کنار دریا و محل شنا اولین مکانی است که به آن پناه می بری. اما امروز محل شنای بندرترکمن

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

اگر نمی توانستند یا نمی شد کار اصولی و بهتری انجام دهند چرا آن روش سنتی و مدیریت های ساده قبلی که بسیار هم مورد رضایت مردم بود بهم ریختند و از آنها حمایت نکردند و راهنمایی نمودند در عوض شروع به سرمایه گذاری یا شروع به کاری نمودند که عاقبتش امروز تعطیلی ساحل زیبا و محل شنای بندرترکمن است.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم. باز هم می خواهم از هزاران شاخه رحمت دریا یک شاخه کوچک آنرا مورد بحث قرار دهم.

قبل از انقلاب شوکمند اسلامی ایران محل شنای بندرترکمن از صدا و سیما فاعلی تا روستای چافاقلی قدیم سرتاسر بهار و تابستان بصورت سنتی، منطقه شنا و استراحت و تفریح اهالی بندرترکمن و روستاها و شهرهای دور و نزدیک بود مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه کناره های دریا ملو بود از مردم و این عاشقان دریا با احتیاط و شادی زایدالوصفی زیر گرمای تابستان و تا نیمه های شب به آب می زدند. می پریدند، جیغ می زدند، خیلی ها مشغول توپ بازی در دریا بودند و خیلی ها سوار تیوپ های مختلف بودند و خیلی ها هم روی دوش یکدیگر سوار شده شجره می رفتند، چه غوغایی بود، آنچه بود لذت از رحمت الهی و شادی خلاصانه بود هر کس با هر وسیله ای که داشت می رفت با پای پیاده، دوچرخه، موتور سیکلت، اسب و گاری و ماشین.

زمان گذشت، جمعیت افزایش یافت و نیاز به مدیریت و نظارت و سازماندهی احساس گردید. مسئولان همت نمودند دست بکار شدند، آب و برق، جاده و نیازهای اولیه تقریباً طی یک دهه بصورت رضایت بخش فراهم گردید و افراد علاقمند به همت مسئولان شهرداری و شورای شهر و ... مدیریت آنرا بدست گرفتند. برای مردم کم

به مرور مدیریت ها عوض شد شیوه نظارتی تغییر نمود و شنیده شد که محل شنای بندرترکمن همچون استانبول یا دیگر شهرهای پرآوازه ایران و جهان بسیار زیبا و مدرن و نمونه ساخته خواهد شد. متعاقب آن بعد از مدت ها شروع به بتن ریزی سنگ چینی و اقدامات مقطعی و مبهم دیگر گردید. اما مردم از فعالیت تحرکات و رفت و آمد کامیون و دیدن یک لودر در حال کار خوشحال بودند به این امید که شهر و ساحل ما نیز شایسته نامش به محل شنا و تفرجگاه زیبا و جذاب و دل انگیز تبدیل شود.

زمان گذشت. بهار و تابستان فراوانی بدون حضور عاشقان و شیفتگان دریا سپری گردید. ( دریا تعطیل است) تابلویی بود که متأسفانه در نگاه اول به چشم می خورد. دریایی که ما و مردم ما همیشه در کنار و آغوشش بودیم و از گرمای سوزان تابستان و آنجا پناه می بردیم انگار اینک برای ما غریبه و نامحرم می نمود و اکنون تابستان سال ۸۸ فرا رسیده و کنار دریا و محل شنا اولین مکانی است که به آن پناه می بری. اما امروز محل شنای بندرترکمن

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟



غوشوریلجلاق بایراق لار :

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

اگر نمی توانستند یا نمی شد کار اصولی و بهتری انجام دهند چرا آن روش سنتی و مدیریت های ساده قبلی که بسیار هم مورد رضایت مردم بود بهم ریختند و از آنها حمایت نکردند و راهنمایی نمودند در عوض شروع به سرمایه گذاری یا شروع به کاری نمودند که عاقبتش امروز تعطیلی ساحل زیبا و محل شنای بندرترکمن است.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم. باز هم می خواهم از هزاران شاخه رحمت دریا یک شاخه کوچک آنرا مورد بحث قرار دهم.

قبل از انقلاب شوکمند اسلامی ایران محل شنای بندرترکمن از صدا و سیما فاعلی تا روستای چافاقلی قدیم سرتاسر بهار و تابستان بصورت سنتی، منطقه شنا و استراحت و تفریح اهالی بندرترکمن و روستاها و شهرهای دور و نزدیک بود مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه کناره های دریا ملو بود از مردم و این عاشقان دریا با احتیاط و شادی زایدالوصفی زیر گرمای تابستان و تا نیمه های شب به آب می زدند. می پریدند، جیغ می زدند، خیلی ها مشغول توپ بازی در دریا بودند و خیلی ها سوار تیوپ های مختلف بودند و خیلی ها هم روی دوش یکدیگر سوار شده شجره می رفتند، چه غوغایی بود، آنچه بود لذت از رحمت الهی و شادی خلاصانه بود هر کس با هر وسیله ای که داشت می رفت با پای پیاده، دوچرخه، موتور سیکلت، اسب و گاری و ماشین.

زمان گذشت، جمعیت افزایش یافت و نیاز به مدیریت و نظارت و سازماندهی احساس گردید. مسئولان همت نمودند دست بکار شدند، آب و برق، جاده و نیازهای اولیه تقریباً طی یک دهه بصورت رضایت بخش فراهم گردید و افراد علاقمند به همت مسئولان شهرداری و شورای شهر و ... مدیریت آنرا بدست گرفتند. برای مردم کم

به مرور مدیریت ها عوض شد شیوه نظارتی تغییر نمود و شنیده شد که محل شنای بندرترکمن همچون استانبول یا دیگر شهرهای پرآوازه ایران و جهان بسیار زیبا و مدرن و نمونه ساخته خواهد شد. متعاقب آن بعد از مدت ها شروع به بتن ریزی سنگ چینی و اقدامات مقطعی و مبهم دیگر گردید. اما مردم از فعالیت تحرکات و رفت و آمد کامیون و دیدن یک لودر در حال کار خوشحال بودند به این امید که شهر و ساحل ما نیز شایسته نامش به محل شنا و تفرجگاه زیبا و جذاب و دل انگیز تبدیل شود.

زمان گذشت. بهار و تابستان فراوانی بدون حضور عاشقان و شیفتگان دریا سپری گردید. ( دریا تعطیل است) تابلویی بود که متأسفانه در نگاه اول به چشم می خورد. دریایی که ما و مردم ما همیشه در کنار و آغوشش بودیم و از گرمای سوزان تابستان و آنجا پناه می بردیم انگار اینک برای ما غریبه و نامحرم می نمود و اکنون تابستان سال ۸۸ فرا رسیده و کنار دریا و محل شنا اولین مکانی است که به آن پناه می بری. اما امروز محل شنای بندرترکمن

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

اگر نمی توانستند یا نمی شد کار اصولی و بهتری انجام دهند چرا آن روش سنتی و مدیریت های ساده قبلی که بسیار هم مورد رضایت مردم بود بهم ریختند و از آنها حمایت نکردند و راهنمایی نمودند در عوض شروع به سرمایه گذاری یا شروع به کاری نمودند که عاقبتش امروز تعطیلی ساحل زیبا و محل شنای بندرترکمن است.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم. باز هم می خواهم از هزاران شاخه رحمت دریا یک شاخه کوچک آنرا مورد بحث قرار دهم.

قبل از انقلاب شوکمند اسلامی ایران محل شنای بندرترکمن از صدا و سیما فاعلی تا روستای چافاقلی قدیم سرتاسر بهار و تابستان بصورت سنتی، منطقه شنا و استراحت و تفریح اهالی بندرترکمن و روستاها و شهرهای دور و نزدیک بود مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه کناره های دریا ملو بود از مردم و این عاشقان دریا با احتیاط و شادی زایدالوصفی زیر گرمای تابستان و تا نیمه های شب به آب می زدند. می پریدند، جیغ می زدند، خیلی ها مشغول توپ بازی در دریا بودند و خیلی ها سوار تیوپ های مختلف بودند و خیلی ها هم روی دوش یکدیگر سوار شده شجره می رفتند، چه غوغایی بود، آنچه بود لذت از رحمت الهی و شادی خلاصانه بود هر کس با هر وسیله ای که داشت می رفت با پای پیاده، دوچرخه، موتور سیکلت، اسب و گاری و ماشین.

زمان گذشت، جمعیت افزایش یافت و نیاز به مدیریت و نظارت و سازماندهی احساس گردید. مسئولان همت نمودند دست بکار شدند، آب و برق، جاده و نیازهای اولیه تقریباً طی یک دهه بصورت رضایت بخش فراهم گردید و افراد علاقمند به همت مسئولان شهرداری و شورای شهر و ... مدیریت آنرا بدست گرفتند. برای مردم کم

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

اگر نمی توانستند یا نمی شد کار اصولی و بهتری انجام دهند چرا آن روش سنتی و مدیریت های ساده قبلی که بسیار هم مورد رضایت مردم بود بهم ریختند و از آنها حمایت نکردند و راهنمایی نمودند در عوض شروع به سرمایه گذاری یا شروع به کاری نمودند که عاقبتش امروز تعطیلی ساحل زیبا و محل شنای بندرترکمن است.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم. باز هم می خواهم از هزاران شاخه رحمت دریا یک شاخه کوچک آنرا مورد بحث قرار دهم.

قبل از انقلاب شوکمند اسلامی ایران محل شنای بندرترکمن از صدا و سیما فاعلی تا روستای چافاقلی قدیم سرتاسر بهار و تابستان بصورت سنتی، منطقه شنا و استراحت و تفریح اهالی بندرترکمن و روستاها و شهرهای دور و نزدیک بود مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه کناره های دریا ملو بود از مردم و این عاشقان دریا با احتیاط و شادی زایدالوصفی زیر گرمای تابستان و تا نیمه های شب به آب می زدند. می پریدند، جیغ می زدند، خیلی ها مشغول توپ بازی در دریا بودند و خیلی ها سوار تیوپ های مختلف بودند و خیلی ها هم روی دوش یکدیگر سوار شده شجره می رفتند، چه غوغایی بود، آنچه بود لذت از رحمت الهی و شادی خلاصانه بود هر کس با هر وسیله ای که داشت می رفت با پای پیاده، دوچرخه، موتور سیکلت، اسب و گاری و ماشین.

زمان گذشت، جمعیت افزایش یافت و نیاز به مدیریت و نظارت و سازماندهی احساس گردید. مسئولان همت نمودند دست بکار شدند، آب و برق، جاده و نیازهای اولیه تقریباً طی یک دهه بصورت رضایت بخش فراهم گردید و افراد علاقمند به همت مسئولان شهرداری و شورای شهر و ... مدیریت آنرا بدست گرفتند. برای مردم کم

به مرور مدیریت ها عوض شد شیوه نظارتی تغییر نمود و شنیده شد که محل شنای بندرترکمن همچون استانبول یا دیگر شهرهای پرآوازه ایران و جهان بسیار زیبا و مدرن و نمونه ساخته خواهد شد. متعاقب آن بعد از مدت ها شروع به بتن ریزی سنگ چینی و اقدامات مقطعی و مبهم دیگر گردید. اما مردم از فعالیت تحرکات و رفت و آمد کامیون و دیدن یک لودر در حال کار خوشحال بودند به این امید که شهر و ساحل ما نیز شایسته نامش به محل شنا و تفرجگاه زیبا و جذاب و دل انگیز تبدیل شود.

زمان گذشت. بهار و تابستان فراوانی بدون حضور عاشقان و شیفتگان دریا سپری گردید. ( دریا تعطیل است) تابلویی بود که متأسفانه در نگاه اول به چشم می خورد. دریایی که ما و مردم ما همیشه در کنار و آغوشش بودیم و از گرمای سوزان تابستان و آنجا پناه می بردیم انگار اینک برای ما غریبه و نامحرم می نمود و اکنون تابستان سال ۸۸ فرا رسیده و کنار دریا و محل شنا اولین مکانی است که به آن پناه می بری. اما امروز محل شنای بندرترکمن

توقع ما همین امکانات نیز بسیار خوشحال کننده بود هر چند که مهمانان و گردشگرانی که از نقاط دیگر کشورمان می آمدند با گلابه و انتقاد و حسرت می رفتند. در آن برهه از زمان شب ها و روزها مخصوصاً پنجشنبه ها و جمعه ها کنار دریا مملو از مردم منطقه و گردشگران داخلی و خارجی بود و برنامه های متنوع فرهنگی هنری، موسیقی، شعر، نمایش و ... با حضور مسئولان شهری و گاهاستانی اجرا می شد. چه شبهای زیبا و بیاد ماندنی بود نمی دانم دیگر آن خاطرات تکرار خواهد شد یا نه؟

اگر نمی توانستند یا نمی شد کار اصولی و بهتری انجام دهند چرا آن روش سنتی و مدیریت های ساده قبلی که بسیار هم مورد رضایت مردم بود بهم ریختند و از آنها حمایت نکردند و راهنمایی نمودند در عوض شروع به سرمایه گذاری یا شروع به کاری نمودند که عاقبتش امروز تعطیلی ساحل زیبا و محل شنای بندرترکمن است.

اما دریا این نعمتی که خداوند بر ما منت نمود و به ما ارزانی داشت و ما انسانها با تمام وجود با رعایت انصاف و عدالت و با توجه به همه جوانب از آن استفاده نماییم. بحث را در مقیاس کوچکتر پی می گیرم، آنچه در این سن و سال دیدیم و شنیدیم استفاده سنتی، شیرین و شفافیش از این دریا در حوزه زندگی و محیط ما بود که ما قانع و راضی به آن بودیم.